



پرسمان سیاسی (۱۱)



# انتخابات (مشارکت)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهَا السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ  
تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةٌ، السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ.



دانش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای  
آنها پرسش است. پس بهر سید- خداوند شما را رحمت کند-  
که در این بین چهار تن اجر برند:  
آنکه می‌پرسد و گوینده و شنونده و دوستدار ایشان.

تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، ج ۱، ص ۴۱



پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات

یکی از اساسی‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه است.







## انتخابات (مشارکت)

### پرسمان سیاسی (۱۱)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

# انتخابات (مشارکت)

حجت الاسلام روح الله جلالی  
اصل و آقای احمد هاشمی

پژوهشگران

حجت الاسلام روح الله جلالی  
اصل

مصحح

بهمن ماه ۱۴۰۲

چاپ اول



## فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
۱. مشارکت حداکثری یا انتخاب اصلح.....	۱۱
۲. رای بالا یا صلاحیت افراد.....	۱۹
۳. مشروعیت اکثریت در اسلام.....	۲۶
۴. تاثیر انتخابات در زندگی مردم.....	۳۸
۵. رای سفید.....	۴۳
۱- حق شهروندی.....	۴۳
۲- تکلیف شرعی.....	۴۴
۳- حکم عقلایی.....	۴۶
۴- تبعات اجتماعی و سیاسی.....	۴۷
کتابنامه.....	۵۲





## مقدمه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مفتخر است در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از کارشناسان باتجربه و با رویکرد تخصصی در فرآیند پاسخگویی، میلیون‌ها پرسش از سوی اقشار مختلف جامعه را در رشته‌های «قرآن» و «حدیث»، «کلام و اعتقادات»، «تاریخ»، «اخلاق و تربیت»، «مشاوره»، «احکام شرعی» و «سیاسی اجتماعی» پاسخ گفته است.

بخش پاسخگویی مکتوب این مرکز، به‌عنوان باسابقه‌ترین بخش، با رسالت «پاسخگویی مطلوب به سؤالات ویژه»، عهده‌دار تولید محتوای غنی و منطبق با اصول علمی تحقیق در عرصه پاسخ به سؤالات دینی است که در راستای توصیه‌ی مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای حفظه الله تعالی، بر آن شد تا مجموعه پرسش و پاسخ‌ها را به‌صورت محصولات متنوع و متعدد، در قالب کتاب و نرم‌افزار ارائه کند. این اثر حاوی چند پرسش و پاسخ حول انتخابات است که با عنوان «انتخابات (مشارکت)» تدوین شده است. رویکرد بخش مکتوب در تدوین این مجموعه رعایت اختصار در تعداد سؤال و ارائه پاسخ جامع و مستند است.



در پایان از حمایت و پیگیری ریاست مرکز ملی پاسخگویی، جناب  
حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدجواد اصغری و نیز از همه  
کارشناسان محترم پاسخگو و تمامی افرادی که در انتشار این مجموعه  
نقش ایفا کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

از خداوند منان برای همه دست‌اندرکاران در فرآیند پاسخگویی به  
پرسش‌های دینی، توفیق روزافزون مسئلت دارم.

مدیر بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

جواد مرادی



## ۱. مشارکت حداکثری یا انتخاب اصلح

**پرسش:**

مشارکت حداکثری مهم‌تر است یا انتخاب اصلح؟ یعنی اگر بالا رفتن مشارکت موجب شکست نامزد اصلح بشود، بهتر نیست که به نحوی مشارکت و اقبال عمومی را پایین آورد؟

**پاسخ:**

یکی از مسائل بسیار جدی در عرصه انتخابات ایران، نحوه مواجهه با تضاد احتمالی میان انتخاب اصلح و مشارکت حداکثری است. به این معنا که گاهی شرایط به این صورت است که اگر انتخابات خیلی گرم و داغ نشود، بیشتر کسانی که در انتخابات شرکت خواهند کرد، علاقه‌مندان جدی‌تر انقلاب و نظام اسلامی بوده و طبیعتاً شانس پیروزی نامزد اصلح بالاتر است؛ اما وقتی انتخابات، زیادی گرم شود و مشارکت بالاتر برود، افراد دیگر که در شرایط عادی اهمیت چندانی به تکلیف سیاسی و شرعی و شرکت در انتخابات نمی‌دهند به میدان آمده و با رأی خود که گاهی از سرلج بازی‌های سیاسی است در نتیجه انتخابات اثر منفی می‌گذارند. با این اوصاف، آیا بهتر نیست که از خیر مثلاً ده میلیون رأی بیشتر بگذریم و به اهمیت انتخاب اصلح بیشتر توجه کنیم. انتخاب اصلح یعنی مدیریت بهتر سرنوشت ده‌ها میلیون ایرانی.



۱. در فرض سؤال، با یک مقایسه مواجهیم و در یک مقایسه هم هزینه و فایده هر طرف را به دقت مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهند تا به نتیجه احسن و انتخاب برتر برسند. پس باید ببینیم که فواید مشارکت حداکثری و معایب مشارکت پایین در مقایسه با فواید انتخاب اصلح و معایب انتخاب فرد غیر اصلح چیست.

۲. مشارکت مردم در انتخابات، نشان‌دهنده تعلق نسبی آنان به نظام سیاسی کشور و کار کردن و زنده‌بودن قانون اساسی آن کشور است. به هر میزان که این مشارکت بالا باشد، نشان‌دهنده آن است که مردم، انتخابات و ساز و کار و ساختار سیاسی کشور و اهمیت اعمال اراده خود در آن را جدی گرفته‌اند. دشمنان خارجی نیز متوجه می‌شوند که طرح‌ها و نقشه‌های پرهزینه آنان به طمع سقوط سیاسی کشور چندان مؤثر نیست؛ اما در طرف مقابل، اگر مشارکت در کشور کاهشی شود، نشان‌دهنده آن است که به هر دلیلی مردم نتیجه انتخابات و تأثیر آن در زندگی خود را باور ندارند و به شرکت در آن اهمیتی نمی‌دهند و از همه مهم‌تر اینکه، نشاط سیاسی در کشور وجود ندارد. اینجا است کشور دچار بحران مشروعیت خواهد شد و برای اثبات حق حاکمیت خود به زحمت خواهد افتاد. در چنین شرایطی اگر بهترین فرد هم انتخاب شود، اکثریت جامعه به او و دولت وی احساس تعلق نمی‌کنند و بخش بزرگی از جامعه از حاکمیت فاصله گرفته و خود را در امر اداره کشور سهیم ندانسته و با آن احساس



بیگانگی می‌کنند لذا صرفاً نقش مطالبه‌گر داشته و در بحران‌ها همراهی کمتری با نظام سیاسی نشان خواهند داد. این امر یعنی کاهش جدی سرمایه اجتماعی.

۳. اگرچه انتخاب اصلاح قطعاً تأثیر جدی و مهمی در مدیریت کشور در کوتاه‌مدت و درازمدت دارد و در اولویت است، اما طبیعتاً نامزدهای معرفی شده توسط شورای نگهبان، همگی صلاحیت حداقلی برای تصدی پست ریاست جمهوری و مجلس شورای ملی را دارا هستند: «کسانی که وارد صحنه انتخابات می‌شوند، اشخاصی هستند که شورای نگهبان - که امین مردم در این قضیه است - پای اسم آنها را امضا کرده و اعلام صلاحیت نموده است؛ بنابراین، همه صلاحیت دارند».<sup>۱</sup> لذا عدم انتخاب اصلاح، نسبت به متزلزل شدن پایه‌های جمهوریت، مشروعیت و امنیت نظام و کشور اهمیت کمتری دارد.

۴. اهمیت و ترجیح مشارکت حداکثری در کلام امام و رهبری کاملاً مشخص است. امام خمینی همواره در پیام‌ها و سخنرانی‌های خویش، بر اهمیت انتخابات و ضرورت مشارکت حداکثری مردم در انتخابات تأکید داشتند:

۱. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از روحانیون، خامنه‌ای دات آی آر، ۱۳ اردیبهشت:



«این وظیفه‌ای است الهی، وظیفه‌ای است ملی، وظیفه‌ای است

انسانی... همه‌ی ما باید در انتخابات شرکت بکنیم».<sup>۱</sup>

رهبر انقلاب در این زمینه معتقد است:

«درست در نقطه مقابل خواست دشمنان، همه ما باید در

انتخابات حضور فعالی داشته باشیم. انتخابات، آبروی ملی

ماست. انتخابات، یکی از شاخص‌های رشد ملی ماست.

انتخابات، وسیله‌ای برای عزت ملی است... حضور شماست

که نظام را تحکیم می‌کند، پایه‌های آن را مستحکم می‌نماید،

آبروی ملت ایران را زیاد می‌کند، استقامت کشور را در مقابل

دشمنی‌ها زیاد می‌کند و دشمن را از طمع ورزیدن به کشور

و از فکر ضربه زدن و توسعه (برنامه‌اش) و فساد و فتنه

منصرف می‌کند. این یک مسئله بسیار مهم است؛ پس مسئله‌ی

اول، شرکت در انتخابات است».<sup>۲</sup>

۱. خمینی، سید روح‌الله (امام خمینی ره)، صحیفه /امام، ج ۱۸، ص ۳۸۱.

۲. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم استان

کردستان در میدان آزادی سنندج، خامنه‌ای دات آی آر، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۸:



ایشان در باب ضرورت مشارکت حداکثری را تا این حد ضروری می‌داند که «مسئلاً امنیت کشور، مصونیت کشور، پیشرفت کشور، با حضور همگانی و حداکثری مردم افزایش پیدا خواهد کرد».<sup>۱</sup>

رهبر انقلاب حضور حداکثری را به حدی ضروری می‌داند که به مردم اعلام کرده است:

«عرض من به مردم این است. من به مردم نمی‌گویم فلان کس را انتخاب نکنید، فلان کس را انتخاب نکنید؛ این را هرگز به مردم نخواهم گفت، اما به مردم عرض می‌کنم و اصرار می‌کنم که حتماً در پای صندوق رأی حاضر بشوید و رأی بدهید، به هرکسی که تشخیص می‌دهید؛ این باید اتفاق بیفتد. هر کس کشور را دوست دارد، هر کس نظام را دوست دارد، هر کس امنیت را دوست دارد - از آحاد مردم - باید بیاید وارد میدان انتخابات بشود، بیاید پای صندوق؛ شرّ دشمن را این کم می‌کند».<sup>۲</sup>

۱. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، خامنه‌ای دات آی آر، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۲:

<https://khl.ink/f/۲۲۴۹۴>

۲. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگران، خامنه‌ای دات آی آر، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶:

<https://khl.ink/f/۳۶۳۶۶>



این ضرورت تا جایی است که ایشان به صراحت بیان کرده است که حتی کسانی که نظام را قبول ندارند در انتخابات شرکت کنند:

«حضور مردم یکی از آن عناصری است که دشمن را ناکام می‌کند. اینکه ما تکیه می‌کنیم، تأکید می‌کنیم، اصرار می‌ورزیم بر اینکه مردم همه شرکت کنند در انتخابات و من بارها این را قبلاً گفته‌ام - حالا چند بار یادم نیست - که حتی آن کسانی که نظام را قبول ندارند، برای حفظ کشور، برای اعتبار کشور بیایند در انتخابات شرکت کنند. ممکن است کسی بنده را قبول نداشته باشد، عیبی ندارد، اما انتخابات مال رهبری نیست، مال ایران اسلامی است، مال نظام جمهوری اسلامی است. همه باید بیایند در انتخابات شرکت کنند؛ این موجب می‌شود که نظام جمهوری اسلامی تقویت بشود، پایداری آن و ماندگاری آن تأمین بشود، کشور در حصار امنیت کامل باقی بماند».<sup>۱</sup>

۵. بعد از این مطالب باید ببینیم که اصلاً در مقابل مشارکت حداکثری چه گزینه‌ای داریم. مشارکت حداقلی؟ اینکه خلاف مصلحت کشور و

۱. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم،

خامنه‌ای دات آی آر، ۱۹ دی ۱۳۹۴:





جمهوریت نظام است. پس با مفهوم مشارکت نسبی مواجه هستیم؛ یعنی به میزانی انتخابات پرشور شود که احتمال برد نامزد رقیب زیاد نشود. چراکه بخشی از جامعه اگر به حرکت دربیایند، حتماً به نامزدی رأی خواهند داد که همسویی کمتری داشته باشد.

باید بدانیم که چنین اصل و قاعده ثابتی وجود ندارد که اگر سیاست‌گذاری نظام و فعالان سیاسی به سمت مشارکت حداکثری نرود، در درازمدت، در حد معقول بتوان مشارکت نسبی را نیز حفظ کرد. چراکه وقتی انتخابات گرم و مؤثر و رقابتی دیده نمی‌شود، آمار مشارکت نسبی نیز به سرعت ریزشی می‌شود.

معمولاً این تضاد و تضارب آرا و هیجان‌های جدی رقابتی است که افراد را به حرکت وادار می‌کند.

۶. اگر به دنبال مشارکت حداکثری نباشیم و به صرفاً انتخاب اصلح را در نظر بگیریم، از زمانی به بعد، موضوع عوض خواهد شد؛ یعنی موضوع در «مقایسه میان مشارکت حداکثری و انتخاب غیر اصلح» باقی نمی‌ماند، بلکه اساس انتخابات کشور به امری تشریفاتی و نتایجی از پیش تعیین‌شده تفسیر خواهد شد. این امر نظام سیاسی کشور را با چالش جدی مواجه خواهد ساخت.

### نتیجه:

در مقایسه هزینه و فایده انتخاب اصلح و عدم تحقق مشارکت حداکثری،



آسیب مشارکت نسبی یا حداقلی و عدم تحقق مشارکت حداکثری به مراتب برای استحکام نظام و مشروعیت آن بیشتر از عدم راه‌یابی فرد اصلح به کرسی ریاست و نمایندگی است.

### **کلمات کلیدی:**

انتخابات، انتخاب اصلح، مشارکت حداکثری، جمهوریت.



## ۲. رای بالا یا صلاحیت افراد

پرسش:

رای به صالح مقبول، در مقابل اصلح نامقبول، کار صحیحی است یا خلاف مبانی ما است؟

پاسخ:

بحث انتخاب بین اصلح نامقبول و صالح مقبول یا گزینه بهتر مقبول در انتخابات متعدد طرح شده است. به معنای دیگر در بسیاری از انتخابات این بلا تکلیفی در مؤمنین وجود دارد که تکلیف در رأی دادن چگونه ادا می‌گردد؟ اگر فردی را اصلح می‌دانیم اما احتمال رأی آوری و انتخاب وی ضعیف است، تکلیف این است که باید سراغ فرد غیر اصلح یا همان صالح مقبول و حتی کسی که کمتر فساد دارد رفت که احتمال رأی آوری بالاتری دارد، یا اینکه تکلیف ما در رأی دادن به فردی است که مشخصاً از نظر ما اصلح است و تخطی از این امر جایز نیست؟ راه‌حل این مسئله را از دو وجه عقلی و شرعی بررسی و بیان خواهیم کرد.

۱. طبیعتاً از منظر شرعی، در اینجا نمی‌توان به بررسی قواعد فقهی<sup>۱</sup> و تفقه پرداخت و بایستی نظر فقها را تبیین و در رأس آن‌ها در امور سیاسی،

---

۱. در بحث ما قاعده میسور (ما لایدرک کله لایترک کله)، قاعده مقیس (دفع افسد به فاسد)، قاعده اشتغال (الاشتغال البقینی یستدعی الفراغ البقینی) و ... مطرح است؛ اما از آنجا که قرار



نظر ولی فقیه را در این مورد معتبر دانست. رهبر انقلاب آیت الله خامنه‌ای در این رابطه بیان کرده است ک:

«باید بگردید، بین خودتان و خدا حجت پیدا کنید؛ یعنی بتوانید از راهی بروید که اگر خدای متعال پرسید شما به چه دلیل به این فرد رأی دادید، بتوانید بگویید به این دلیل. بین خودتان و خدا، دلیل و حجتی فراهم کنید و بعد با خیال راحت بروید رأی بدهید».<sup>۱</sup>

پس ابتدا انسان باید به دنبال حجت شرعی برای رأی دادن باشد و شرعاً و عقلاً مجاز نیست هر رأیی که دلش می‌خواهد در صندوق بیندازد و با سرنوشت میلیون‌ها نفر ساده‌انگارانه برخورد نماید. دقیقاً پرسش‌گر محترم نیز به دنبال حجت شرعی و فهم وظیفه شهروندی خویش است. ایشان در این باب دربیانی دیگر تأکید کرده است که وظیفه اولیه رأی‌دهندگان، تلاش معقول برای پیدا کردن نامزد اصلح است. پس در مرحله بعد از دلیل داشتن، بهترین دلیل، اصلح یافتن فردی است که می‌خواهیم به وی رأی بدهیم.

---

نیست به بررسی فقهی بپردازیم و در مقام بیان فتاوا هستیم، از این بحث تخصصی صرف‌نظر می‌کنیم.

۱. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از خانواده‌های ایثارگران، خامنه‌ای دات آی آر، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۶.



«ملت باید تلاش خود را بکند، باید زحمت بکشد و دنبال اصلاح بگردد... کسانی که وارد صحنه انتخابات می‌شوند، اشخاصی هستند که شورای نگهبان - که امین مردم در این قضیه است - پای اسم آن‌ها را امضا کرده و اعلام صلاحیت نموده است؛ بنابراین، همه صلاحیت دارند؛ منتها امر ریاست جمهوری، بالاتر از این حرف‌هاست. باید گشت و اصلاح را پیدا کرد. باید گشت و امین‌ترین را انتخاب کرد. باید جستجو کرد و در بین این چند نفر، به‌طور نسبی قادرترین بر اداره کشور را پیدا کرد».<sup>۱</sup>

طبیعتاً از نظر عقلی نیز، بین نامزد صالح و اصلاح، وظیفه اولیه، انتخاب اصلاح است و این مورد تأکید امام و رهبری است. حالا اگر اصلاح را یافتیم، اما احساس کردیم که او در میان جامعه، شهرت و مقبولیت ندارد، وظیفه ما چیست؟ پاسخ این است که طبیعتاً تلاش می‌کنیم که اصلاح را به جامعه معرفی کنیم و او را به شهرت و مقبولیت برسانیم.

۱. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از روحانیون، خامنه‌ای دات آی آر، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۶:



حالا اگر به هر نحو، یقین پیدا کنیم که فردی که ما اصلح می‌دانیم رأی نمی‌آورد (مثلاً به صورت واضح، مشاهدات میدانی و نظرسنجی‌ها در ساعات پایانی تبلیغات انتخاباتی نشان می‌دهد که نامزد مورد نظر ما در دور رقابت قرار ندارد) و رقابت اصلی میان نامزدهای دیگر است چه؟ نباید به نفر بعدی که او را اصلح می‌دانیم و احتمال رأی آوری بالایی دارد رأی بدهیم؟

اینجا اگر ما به نامزدی که از ابتدا اصلح می‌دانیم رأی بدهیم، در حالی که مطمئن هستیم در میدان رقابت نیست، یک عمل لغو یا باطل انجام دادیم یا اینکه خیر، به تکلیف و وظیفه خود عمل کرده‌ایم؟ اینجا نتیجه مهم است یا تکلیف؟

اینجا محل دعوای نتیجه‌گرایی و تکلیف‌گرایی است. دقیقاً رابطه تکلیف و نتیجه در بحث ما چیست؟

رهبر انقلاب این دعوا (رابطه نتیجه و تکلیف) را این‌چنین حل کرده است:

«حتماً تکلیف معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند؛ برخلاف تکلیف عمل نکند، ضد تکلیف عمل نکند، کار نامشروع انجام ندهد؛ و آلاً تلاشی که پیغمبران کردند، اولیای دین کردند، همه برای



رسیدن به نتایج معینی بود؛ دنبال نتایج بودند. مگر می‌شود گفت که ما دنبال نتیجه نیستیم؟ یعنی نتیجه هر چه شد، شد.<sup>۱</sup> پس در ادای تکلیف باید نتیجه را در نظر گرفت (با شرط زیر پا نگذاشتن تکلیف)؛ یعنی با رعایت حدود شرعی، تحصیل نتیجه بهتر، تکلیف شرعی ما را مشخص می‌کند.

حالا با این اوصاف اگر ما بگوییم هیچ اهمیتی ندارد که با انتخاب ما، نتیجه عاقلانه حاصل نشود و رأی ما نتیجه بهتر ندهد، خلاف تکلیف عمل کرده‌ایم کما اینکه آیت‌الله مصباح یزدی در این رابطه معتقد بود: «معرفی اصلحی که امکان رأی آوری آن فراهم نیست، کار لغوی است».<sup>۲</sup>

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در پاسخ به این سؤال که: «اگر فرد اصلح در انتخابات احتمال رأی آوردنش کم باشد آیا می‌توان برای دفع فرد بدتر، به فرد بد رأی داد؟ آیا حجت شرعی خواهیم داشت در نزد خدا؟ (البته

۱. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، خامنه‌ای دات آی آر، ۶ مرداد ۱۳۹۲:

<https://khl.ink/f/۲۳۳۴۶>

۲. پاسخ جبهه پایداری به اظهارات باهنر:

معرفی نامزد اصلحی که رأی نمی‌آورد بیهوده است، خبرگزاری ایرنا، ۱۸ تیر ۱۳۹۸، کد خبر:

<https://irna.ir/xjtNtD۰۸۳۳۸۷۸۳۸>



منظور از فرد بد، فردیست که اصلح نیست و شانس رقابت با فرد بدتر را دارد» بیان کرده است:

«در صورتی که بدتر بسیار خطرناک باشد و بد این خطرات را ندارد و رأی نیاوردن اصلح تقریباً مورد اطمینان باشد آنچه نوشته‌اید مانعی ندارد»<sup>۱</sup>.

۲. از لحاظ عقلی نیز انتخاب بین بد و بدتر در فلسفه اخلاق و اندیشه سیاسی، اصلی شناخته شده و آشناست. در موضوع ما بد (عدم انتخاب اصلح) و بدتر (حذف اقرب به اصلح و رأی آوردن فرد ناصالح یا پایین تر) وجود دارد.

امام علی علیه السلام فرموده است:

«لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ

خَيْرَ الشَّرِّينَ»<sup>۲</sup> عاقل، آن نیست که خوب را از بد تشخیص

دهد.»

عاقل، کسی است که از میان دو بد، آن را که ضررش کمتر است، بشناسد.

**نتیجه:**

۱. . مکارم شیرازی، ناصر، جواز رأی دادن به دیگری با وجود کاندیدای اصلح، حوزه دات

نت، ۲۰ بهمن ۱۳۹۴:

<https://hawzah.net/fa/Entekhabat/View/۷۴۱۴>

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۶، حدیث ۵۸.





وظیفه اولیه در انتخابات یافتن نامزد اصلح است. سپس بایستی در معرفی، شناساندن و مقبولیت نامزد اصلح در جامعه تلاش کرد. اگر یقین پیدا کنیم که نامزد اصلح در دور رقابت نیست، به سمت اقرب به او برویم تا نتیجه بهتری در انتخابات رقم بخورد.

### منابع بیشتر جهت مطالعه:

۱. ابوالفضل امامی میبدی و سید مصطفی میر محمدی میبدی، «بررسی فقهی انتخاب اصلح و صالح مقبول»، مجله معرفت سیاسی، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۳، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، ص ۶۱ تا ۸۱.
۲. عباس چهار دولی، ابوالقاسم دل‌انگیز، انتخابات و انتخاب اصلح، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۸ش.



### ۳. مشروعیت اکثریت در اسلام

پرسش:

آیا مراجعه به آرای عمومی و اکثریت به تعبیر قرآن ﴿لَا يَعْقل وَلَا يَشعر﴾؛ صحیح است؟ آیا جمهوریت، یک بدعت در دین نیست؟

پاسخ:

برخی معتقد هستند که «معیار» قرار دادن نظر مردم در اداره کشور، امری باطل، جاهلانه و حتی بدعت در دین و حکومت دینی است. بدعت است به این معنا که اصل جمهوری در این نظام اسلامی، امری است که نه تنها در اسلام نبوده است، بلکه خلاف اسلام است. در اسلام ما بنا بر آیات ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾<sup>۱</sup> و ﴿مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾<sup>۲</sup> قائل به توحید تشریحی<sup>۳</sup> هستیم. پس چگونه در مورد مسائل متعدد که مهم‌ترین آن حکومت بر مردم و اداره آنان است، دیگری را در حکم خدا شریک کنیم؟ آن‌هم رأی اکثریت جاهل چه ارزش و اعتباری دارد که به آن احترام بگذاریم؟ همان اکثریتی که در قرآن با تعبیر ﴿بَلْ

۱. سوره یوسف، آیه ۴۰، (حکم و فرمان تنها از آن خدا است).

۲. سوره کهف، آیه ۲۶، (آن‌ها هیچ ولی و سرپرستی جز او ندارند! و او هیچ‌کس را در حکم خود شرکت نمی‌دهد).

۳. توحید تشریحی یعنی حق هرگونه حکم و قانون‌گذاری فقط از آن خداست.



أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ<sup>۱</sup> وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَشْعُرُونَ<sup>۲</sup> معرفی شده‌اند. یک اندیشمند فرهیخته یک رأی دارد و یک فرد بی‌شخصیت و بی‌سروپا هم یک رأی. این موجب انحطاط جامعه و دین نیست؟

۱. ابتدا باید این مطلب را بدانیم که نمی‌توان در هر موردی، اکثریت را تحقیر کرد و آنان را نفهم و بی‌عقل دانست. آیا زمانی که جبهه پیامبر صلی‌الله و علیه و آله در سرزمین حجاز و بخش بزرگی از عالم در اکثریت قرار گرفت، این قبول اسلام به دلیل جهل اکثریت بود؟ یا زمانی که اکثریت یک ملت به عزاداری برای ایام محرم مشغول می‌شوند، این ناشی از جهل اکثریت است؟ آیا زمانی که در سال ۵۸ اکثریت ملت، خواهان حاکمیت اسلام بر کشور ایران بودند، این ناشی از جهل اکثریت بود؟ پس اینکه زمانی که در اکثریت هستیم به آن افتخار کنیم و زمانی که در اقلیت قرار گرفتیم، با استناد به جهل اکثریت، به تحقیر نظر مردم پردازیم، ما را با استانداردها دوگانه مواجه می‌سازد و این مسئله را نمی‌توان به‌عنوان یک اصل پذیرفت.

۲. اما معنای جهل و نادانی اکثریت چیست؟ از آنجاکه ذهن عقلانی و منطقی و علم و اشراف به مسائل، مانند ثروت و قدرت، جزو منابع محدود حساب می‌شوند، طبیعی است که اکثریت مردم، درک و آگاهی

۱. سوره عنکبوت، آیه ۶۳.

۲. سوره مؤمنون، آیه ۵۶.



واقعی و صحیحی از پدیده‌ها نداشته باشند؛ اما اگر با تبلیغ و تبیین صحیح، مردم موانع را کنار زدند و راه پیروی از عقلاً و علماً را انتخاب کردند، تصمیم و اراده آنان نیز ارزشمند است؛ به عبارت دیگر، طبیعی است که اکثر ما از واقعیت اکثر مسائل داخلی و خارجی کشور بی‌اطلاع باشیم، اما این امکان وجود ندارد که با آموزش صحیح و تحقیق و بررسی و پیروی از متخصصان صادق، به نتیجه عاقلانه و احسن برسیم؟

۳. با توجه به نکات بالا در اسلام و طبق عقل، رأی اکثریت معیار حق و باطل نیست؛ یعنی رأی اکثریت، لزوماً نه معیار حق بودن است و نه معیار ناحق بودن. ممکن است اکثریت از حق پیروی کنند، مانند آنجا که در مسجد برای خلافت و صدارت امام علی علیه‌السلام مردم اجتماع کردند و ممکن است اکثریت از باطل پیروی کنند، مانند آنجا که اکثریت در مقابل امام حسین علیه‌السلام شمشیر کشیدند. اکثریت، خود به خود معیار نیست.

۴. اما آیا این به این معنا است که اسلام به مردم حق انتخاب نداده است؟ پاسخ خیر است. برخی قائل هستند که حق انتخاب مردم و حق تعیین سرنوشت، به‌عنوان منشأ مشروعیت<sup>۱</sup> (نه صرفاً مقبولیت) توسط خداوند

---

۱. به‌صورت خلاصه مشروعیت به معنای حق داشتن است. در واقع مشروع بودن در حکمرانی به این معنا است که اعمال زور و سیطره حکومت بر مردم، بر اساس حق و غیر باطل است. اینکه خدا، رأی مردم، قانون و چه چیزی این حق را داده است، می‌شود منشأ مشروعیت.



به مردم اعطاشده است و هیچ‌کس حق ندارد این حق را از مردم سلب کند. از این نظر به نظریه «مشروعیت دوگانه»<sup>۱</sup> یاد می‌شود. در واقع طبق این نظریه، حاکمیت هم باید شرایط الهی را داشته باشد و هم منتخب یا پذیرفته شده مردم باشد. اگر کسی که شرایط الهی را دارد، به‌زور بر اکثریت مسلط شود، باطل است. کسی هم که شرایط و معیارهای الهی را دارد ولو اینکه اکثریت هم او را انتخاب کنند، باز باطل است. اکثریت دخالتی در صفات فردی حاکم (فقاہت، عدالت، مدیریت و...) ندارند. همین‌طور اکثریت وظیفه دارند به دنبال تحقق دستورات الهی باشند.

۵. نظر فقها و مجتهدین در این رابطه قابل‌تأمل و بررسی است تا ببینیم این امر بدعت است یا خیر.

آیت‌الله میرزای نائینی در تبیین مشروطه، حق مداخله اجتماعی را از اسلام اثبات کرده و در کتاب خود، حاکمیت سیاسی مردم را به‌طور عمده با استناد به نصوص «شورا» و ادله «امر به معروف و نهی از منکر» و ادله «حسبه» اثبات می‌کند. ایشان همچنین حق نظارت بر چگونگی هزینه

۱. رک: سید محمدرضا مردی، روح‌الله جلالی اصل، «مبانی مشروعیت حق حاکمیت مردم

در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، ص ۵۳-۶۷.



مالیات‌ها توسط دولت را از دیگر وجوه شرعی برای مداخله مردم در امر حکومت دانسته است.<sup>۱</sup>

آیت‌الله شیخ اسدالله مامقانی، از علمای مشروطه‌خواه و از شاگردان آخوند خراسانی، در کتاب «دین و شئون و طرز حکومت در اسلام»، حق حاکمیت را از آن خداوند می‌داند که آن را به مردم یا «هیئت اجتماعی انسان‌ها» واگذار کرده است و مردم از این جهت حق مشارکت در حکومت را خواهند داشت.<sup>۲</sup>

آیت‌الله سید اسدالله خرقانی، از دیگر شاگردان مکتب آخوند خراسانی نیز در رساله «روح التمدن و هویت الاسلام» با نقد نظام استبدادی و نیز مشروطه غربی، راه سومی را توصیه می‌کند که با طرح مرحوم نائینی و مرحوم آخوند شباهت بسیار دارد. وی برای برون‌رفت از بحران دوگانه استبداد و مشروطیت، «دموکراسی اسلامی» را پیشنهاد می‌کند و بر این باور است که دولت و همه قوای آن، از آن ملت است که به آن‌ها عاریت داده شده است.<sup>۳</sup>

ایشان با به رسمیت شناختن حق حاکمیت سیاسی مردم بارها تأکید می‌کند که «رئیس اجرایی مسلمین، انتخابی است که اوصاف او را قرآن

۱. نائینی، محمدحسین، *تنبیه الأمه و تنزیه المله*، ص ۱۱۲.

۲. مامقانی، اسدالله، *دین و شئون و طرز حکومت در مذهب شیعه*، ص ۱۳ و ۱۴.

۳. جعفریان، رسول و سید اسدالله خرقانی، *روحانی نوگرایی روزگار مشروطه و رضاشاه*، ص



بیان کرده و مسلمانان در هر دوره باید مصداق این صفات را انتخاب نمایند... و در صورتی عملاً در مدت ریاست انتخابی خود مخالفت صریحه با احکام نماید حق عزل وی را دارند.<sup>۱</sup> خرقانی با چنین دیدگاهی اسلام را مخالف هرگونه استبداد می‌داند و بر مردم‌سالاری دینی و حق حاکمیت آنان تأکید می‌کند.

شهید آیت‌الله مطهری در این رابطه معتقد است که حق حاکمیت مردم نه تنها بدعت نیست، بلکه از خود دین است:

«آیا در متن اسلام حاکمیت ملی، حکومت مردم بر مردم هست یا نه؟ آیا در متن اسلام مردم حق دارند با انتخاب و با آراء خود نماینده خویش را انتخاب کنند یا نه؟ آیا مردم حق دارند که رئیس‌جمهوری خودشان را انتخاب کنند یا نه؟ بله مردم حق دارند و از اصول درست دموکراسی بیش از این‌ها ما چیزی نمی‌خواهیم. وقتی می‌گوییم جمهوری اسلامی، کلمه «اسلامی» در محتوای خودش همه این‌ها را دارد.»<sup>۲</sup>

آیت‌الله شهید بهشتی نیز قائل است:

۱. جعفریان، رسول و سید اسدالله خرقانی، روحانی نوگرای روزگار مشروطه و رضاشاه، ص

۳۸ و ۳۹.

۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، (آینده انقلاب اسلامی)، ص ۲۱۸.



«بر طبق مبانی اسلامی در عصر ما (غیبت معصوم) حکومت، زمامدار، حاکم، صرفاً باید سمت و قدرت خویش را از آراء مردم بگیرد. کسی حق دارد زمامدار مردم باشد که برگزیده مردم یا لاقبل پذیرفته مردم و مورد حمایت مردم باشد. هیچ کس حق ندارد بر طبق مبانی اسلام که ولایت، قدرت و زمامداری خودش را بر مردم تحمیل کند، برخلاف رضایت آن‌ها و برخلاف پذیرش و حمایت آن‌ها و برخلاف انتخاب آن‌ها».<sup>۱</sup>

ایشان نظام تحمیلی را در هر شرایطی طاغوت می‌داند و می‌گوید:  
 «آیا نظام شاهی اسلام می‌توانیم داشته باشیم؟ هرگز چون آنجا تحمیل و تعیین است».<sup>۲</sup>

رهبر انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای نیز رأی مردم را یک ژست و یک امر بی‌مبنای اسلامی ندانسته و معتقد است: «مردم‌سالاری دینی که عنوان جمهوری اسلامی به خود گرفت و رسمیت پیدا کرد و از سوی امام خمینی مطرح شد، این یک طرح ناب و خالص دینی است؛ یعنی هیچ تردیدی در این نباید داشت. اینکه حالا بعضی‌ها گفتند که امام انتخابات را، مردم‌سالاری را و امثال این‌ها را از غربی‌ها به ملاحظه و رودربایستی

۱. حسینی بهشتی، محمد، مبانی نظری قانون اساسی، ص ۱۵ تا ۱۹.

۲. حسینی بهشتی، محمد، جاودانه تاریخ، ج ۳، ص ۹۰.





و مانند این‌ها گرفت، حرف بسیار بی‌مبنائی است. امامی که ما شناختیم و سال‌ها با او همکاری کردیم و مردم دیدند امام را، کسی نبود که به خاطر رودر بایستی با این و با آن و با این حرف‌ها، از حکم خدا منصرف بشود؛ نه، اگر چنانچه مردم سالاری در دین نبود، از دین نبود و خدایی نبود، امام کسی نبود که به آن تن بدهد. امام نظر قاطع خودش را می‌گفت.<sup>۱</sup>

ایشان مشروعیت دوگانه را این‌گونه بیان می‌کند:

«هیچ‌کس «حق ندارد» بر مردم حاکمیت داشته باشد؛ مگر آن‌که دارای معیارهای پذیرفته‌شده باشد و مردم او را پذیرفته باشند. امروز در جمهوری اسلامی همه مقاماتی که به نحوی در کار مردم دخالت دارند، مستقیم یا غیرمستقیم منتخب خود مردم‌اند؛ حتی رهبری؛ یعنی در نظام اسلامی، دارا بودن معیارها کافی نیست؛ بلکه انتخاب مردم هم شرط لازم است و بدون انتخاب مردم امکان ندارد».<sup>۲</sup>

۱. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، خامنه‌ای دات آی آر، ۱۴ خرداد ۱۴۰۰ ش:

<https://khl.ink/f/۴۷۹۹۱>

۲. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، خامنه‌ای دات آی آر، ۱۳ بهمن ۱۳۷۰ ش:



درنهایت امام خمینی نیز به صراحت می‌گوید:

«ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملت‌مان بکنیم؛ و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آن‌ها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملت‌مان یک چیزی را تحمیل بکنیم»<sup>۱</sup>.

۶. اما از جهت عقل بشری، مراجعه به آرای عمومی و مردم‌سالاری چه فوایدی دارد؟ باید بدانیم که فواید و معایب یک امر را بایستی باهم سنجید. مسئله انتخاب خوب و بد مردم، در مراحل بعدی اهمیت در تحلیل اصل مردم‌سالاری است. فعلاً ببینیم که اصل جمهوریت و مشارکت سیاسی آحاد مردم چه فایده‌ای دارد؟

از آنجا که انتخابات، ابزار مشارکت مردم در امور حکومت است، دولت را ناگزیر از پاسخگویی و شفافیت می‌سازد. چراکه حکومت برای اینکه از مردم رأی بگیرد باید آنان را قانع سازد و نمی‌تواند مردم و افکار عمومی را نادیده بگیرد. خصوصاً در عصر غیبت، این نکته مهمی است. وقتی حکومت ملزم به شفافیت و پاسخگویی حداکثری به مردم و

<https://khl.in/f/۲۰۷۲>

۱. خمینی، سیدروح‌الله (امام خمینی ره)، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۳.



نمایندگان آنان بود، لازم است قوانینی عادلانه که حقوق همه، نه یک بخش از جامعه را در نظر گرفته است، فصل الخطاب باشد و الزام به فصل الخطاب بودن قانون عادلانه و مقبول در رابطه با حقوق اجتماعی و سیاسی تمام افراد جامعه، استبداد، فساد و انحراف حکومت را تقلیل می‌دهد.

از طرفی مردم چون که خود انتخاب‌کننده حاکمان هستند، اولاً شناخت سیاسی خود را بالا می‌برند و ضمن ارتقای شناخت، توان و آگاهی‌های سیاسی خود، اصل مهم مسئولیت‌پذیری و ایستادگی برای حفظ نظام سیاسی را ارتقا می‌بخشند، چراکه به‌نظام سیاسی احساس تعلق می‌کنند. گروه‌های متکثر نیز می‌آموزند که اکثریت و اقلیت همدیگر را محترم بشمارند و با صندوق‌های رأی به اختلافات پایان دهند و نه با خشونت و جنگ داخلی، پس نظام سیاسی پایدارتر می‌شود.

در نظام مردم‌سالار، به دلیل وابستگی قدرت به مردم به‌جای افراد، مراقبت از حاکمان، اصلاح امور، تغییر سیاست‌های اشتباه و آزادی انتقاد و سلامت قضایی بسیار بیشتر است. وقتی گردش قدرت و رأی مردم نیست، اگر حاکم هم صالح باشد، تشکیل گروه‌های مفسد در حول او امری قابل پیش‌بینی است. وقتی مردم از دلیل انتخاب کنار گذاشته شوند، عده‌ای کم‌کم خود و اطرافیان خود را صاحب مردم می‌پندارند و می‌توانند



در ادامه تمام اصول اسلامی و مکتبی را زیر پا بگذارند و با حکومت سلاح و سرکوب، عدالت خواهان و مصلحان را ساکت یا حذف کنند.<sup>۱</sup>

### نتیجه:

نمی توان به عنوان یک قاعده، به این نتیجه رسید که همیشه اکثریت مردم تصمیم غلطی می گیرند، ضمن اینکه بالاتر از تصمیم درست و غلط مردم، حق انتخاب مردم و تعیین سرنوشت است که خداوند به آنان اعطا کرده است. اهتمام به حق حاکمیت مردم با توحید تشریحی منافات ندارد و همان خدایی که حاکم بر مخلوقات است این حق را تشریح کرده است. مشروعیت و حق حاکمیت، دو رکن دارد که هر کدام مفقود شود، حکومت، طاغوت است. یک رکن آن شرایط الهی فردی است و یک رکن دیگر آن انتخاب و پذیرش اکثریت مردم است. با توجه به مطالب فوق و نظر امام خمینی و نظرات سایر مجتهدینی که ذکر شد؛ حق تعیین سرنوشت و انتخاب زمامدار، توسط خداوند به مردم عطا شده است و در متن اسلام چنین حقی وجود دارد و این نه بدعت است و نه خلاف توحید تشریحی.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: حمید مدد، «فواید دموکراسی: نقش دموکراسی ها در

تقویت صلح و توسعه»، ص ۴۸۷ تا ۴۹۷.



از طرف دیگر وقتی یک نظام سیاسی در انتخاب و اهتمام مردم ریشه دارد و مردم به آن نظام سیاسی احساس تعلق می‌کنند، آن نظام سیاسی پاسخگوتر، سالم‌تر و پایدارتر است.

### کلمات کلیدی:

انتخابات، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری.

### منابع بیشتر جهت مطالعه:

۱. سید محمدرضا مرندی، روح‌الله جلالی اصل، «مبانی مشروعیت حق حاکمیت مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۳۸، اردیبهشت ۱۴۰۰، ص ۵۳-۶۷.
۲. عباس عمادی، ابوالفضل شکوری و مسعود غفاری، «حق حاکمیت و تعیین سرنوشت از منظر فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۳، تابستان ۱۳۹۶، ص ۷ تا ۲۰.



## ۴. تأثیر انتخابات در زندگی مردم

پرسش:

چرا باید در انتخابات شرکت کرد؟ مگر تاکنون شرکت در انتخابات چه تأثیری در زندگی ما داشته است؟

پاسخ:

بسیاری از مردم معتقدند که شرکت ما در انتخابات اهمیتی ندارد و هر بار با هزار امید پای صندوق‌های رأی رفتیم بازهم مشکلات و گرفتاری‌های بیشتری نصیبمان شد. گرانی بیشتر، بیکاری و مشکلات و هزار مسئله ریزودرشت دیگر که چه ما رأی بدهیم و چه ندهیم فرقی ندارد. هرکسی می‌آید، وعده‌هایی می‌دهد و یک امیدی ایجاد می‌کند و بارأی ما بر کرسی می‌نشیند و بعد ما می‌مانیم و مشکلات زندگی.

برخی هم معتقدند که با چند رأی بالا و پایین اتفاقی برای انتخابات نمی‌افتد و ما و رأیمان تأثیری در انتخابات نداریم.

۱. شرکت و همین‌طور عدم شرکت در انتخابات، نتایج و تبعاتی در پی دارد. اگر تصور کنیم که شرکت یا عدم شرکت ما در انتخابات هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند، طبق شواهد تاریخی سخت در اشتباهیم. کنار رفتن و اهمیت ندادن به از یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی کشور، عواقب قابل توجهی دارد که در یک جامعه توسعه‌یافته، ابداً قابل گذشت نیست.



وضعیت ایران به نحوی است که مؤثرترین و بالاترین سرمایه سیاسی آن، ملت و مردم است. رویکرد دشمنان قدرتمند خارجی و شرایط منطقه‌ای، معادلات قدرت در منطقه را به نحوی رقم‌زده است که استشمام کوچک‌ترین ضعفی در شرایط اجتماعی و سیاسی ایران، به تلاش مضاعف‌سایرین در به هم زدن تعادل اقتصادی و سیاسی ایران منجر می‌گردد. به عبارت واضح‌تر هر زمان که فرصت‌طلبان خارجی احساس کنند که پیوستگی سیاسی ایرانیان ضعیف است، از ضربه زدن به ملت به امید رسیدن به اهداف خود، ابدأ دریغ نخواهند کرد. در نتیجه انتخابات موجب اقتدار نظام است و اگر گزینه انقلاب و سقوط نظام را در دست نداریم، بیشترین آسیب یک نظام ضعیف و غیر مقتدر را مردم تحمل می‌کنند.

دقیقاً به همین دلیل است که رهبر انقلاب در سال ۱۳۹۴ توصیه کرد که «اینکه ما تکیه می‌کنیم، تأکید می‌کنیم، اصرار می‌ورزیم بر اینکه مردم همه شرکت کنند در انتخابات و من بارها این را قبلاً گفته‌ام - حالا چند بار یادم نیست - که حتی آن‌کسانی که نظام را قبول ندارند، برای حفظ کشور، برای اعتبار کشور بیایند در انتخابات شرکت کنند. ممکن است کسی بنده را قبول نداشته باشد، عیبی ندارد، اما انتخابات مال رهبری نیست، مال ایران اسلامی است، مال نظام جمهوری اسلامی است. همه باید بیایند در انتخابات شرکت کنند؛ این موجب می‌شود که نظام جمهوری اسلامی



تقویت بشود، پایداری آن و ماندگاری آن تأمین بشود، کشور در حصار امنیت کامل باقی بماند - که خب بحمدالله امروز هست - این موجب می‌شود که ملت ایران در چشم ملّت‌های دیگر آبرو پیدا کند و اعتبارش بالا برود؛ در چشم دشمنانش ابهت پیدا کند ملت ایران؛ انتخابات این است.<sup>۱</sup>

۲. مطمئناً نامزدهای انتخاباتی بهتر و بدتر دارند. چراکه به‌طور یقین، نامزدها با یکدیگر تفاوت جدی در توانمندی، شیوه عملکرد و البته تفاوت جدی در پیام سیاسی در نتیجه رقابت و انتخاب خود دارند. حتی در میان افراد همفکر، تفاوت بسیار زیادی در سطح عقل سیاسی و مدیریتی وجود دارد، چه رسد به جریان‌های سیاسی مختلف. یقیناً سیاست‌های هر منتخب، می‌تواند تا مدت‌ها سرنوشت ما را تحت تأثیر خود قرار دهد. اگر نامزدهای انتخاباتی باهم تفاوتی در عملکرد و رویکرد نداشتند، این‌همه دعوای سیاسی و فکری جدی در کشور و در میان کنشگران سیاسی رخ نمی‌داد. چیزی به اسم انتخاب میان بد و بدتر هم‌معنا ندارد. افراد به نسبت با یکدیگر در اداره کشور، سالم‌تر، قوی‌تر و کارآمدتر و یا برعکس آن هستند.

۱. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم،

خامنه‌ای دات آی آر، ۱۹ دی ۱۳۹۴:





۳. مسئله مهارت‌های سیاسی بایستی جدی گرفته شود. اگر عادت به رأی دادن و رأی گرفتن کم‌رنگ شود، جایگزین خطرناکی به نام استبداد در میان تمام کنش‌گران سیاسی به وجود خواهد آمد.

غیر از اینکه مسئولانی که پشتوانه رأی ملت را دارا هستند، تعلق خاطر بیشتری به مردم‌دارند، اگر معادلات قدرت، خارج از صندوق رأی رقم بخورد، اغتشاشات خیابانی، گروه‌های فشار، تشکیلات فاسد و مافیای قدرت و گروه‌های مسلح و بروز جنگ‌های داخلی، دور از ذهن نیست. البته اگر می‌خواهیم انتخابات جدی باشد باید آن را جدی بگیریم. مشارکت آگاهانه، وسیع و رقابتی، دقت جامعه را بالا برده و افزایش هوش سیاسی جامعه منجر به تعدیل حکمرانان می‌شود.

۴. منتخبانی که بارأی کم‌رقم مردم متصدی اداره کشور می‌شوند، توانمندی و پشتوانه لازم را ندارند. اگر یک منتخب، در پی یک رقابت ضعیف و شکننده بخواهد پنجه در پنجه مسائل و بحران‌های کشور بندازد، زانویی سست خواهد داشت. این منتخب اراده یک ملت بودن است که به مسئولین شجاعت و اعتماد به نفس بیشتری در تصمیمات می‌بخشد.

۵. در نظر گرفتن مسئله تکلیف سیاسی نیز مهم است. انتخابات، هم حق شهروندان در یک حکومت جمهوری است و هم یک تکلیف در جامعه و نظام اسلامی. وقتی هر رئیس و نماینده‌ای سرنوشت میلیون‌ها نفر را



تغییر می‌دهد، هم حضور و انتخاب کردن، حق ما است و هم انتخاب آگاهانه، تکلیف و مسئولیت ما است. کنار نشستن و تماشاچی بودن، عمل به وظیفه شهروندی نیست.

۶. دریا و اقیانوس، متشکل از قطرات است. اگر هر فردی بگوید که من در دریای ملت چه تأثیری دارم، دریایی شکل نخواهد گرفت. همین من‌ها جمع می‌شود و ما و انتخاب ما را تشکیل می‌دهد.

### نتیجه:

حضور و مشارکت حداکثری در انتخابات، موجب تقویت و استحکام کشور و تقویت منتخبین می‌شود و رأی ما غیرازاینکه در انتخاب اصلح و سرنوشت ما تأثیر دارد، در تضمین اقتدار و امنیت ما نیز مؤثر است. در طول تاریخ انتخابات نظم جمهوری اسلامی در میان نامزدها، تکثر و تفاوت زیادی در افکار، عملکرد و آثار وجود داشته و دارد و این‌طور نیست که عدم مشارکت و عدم دقت در انتخاب آگاهانه، تفاوتی نداشته باشد.

### کلمات کلیدی:

انتخابات، نظام اسلامی، سرمایه اجتماعی، مشارکت حداکثری، مهارت سیاسی.



## ۵. رأی سفید

پرسش:

برخی از افرادی که بر اساس تکلیف شرعی و یا وظیفه اجتماعی و شهروندی، خود را ملزم به شرکت در انتخابات می‌دانند، گاهی بر اثر اینکه از نامزدها و کاندیداها شناخت دقیق و درستی ندارند و هیچ‌کدام را به‌عنوان کاندیدای اصلح موردنظر خود بر نمی‌تابند و نمی‌پسندند؛ علی‌رغم شرکت در انتخابات که تأثیر در میزان مشارکت دارد «رأی سفید» به صندوق می‌اندازند تا بدین وسیله هم در بالا بردن میزان مشارکت نقش داشته باشند تا به وظیفه خود عمل کرده باشند و هم بدون علم و اطلاع به نامزدی رأی نداده باشند که برای آن توجیه نداشته باشند تا شاید به خاطر این رأی کسی را در مسئولیت قرار دهند که شایسته آن مسئولیت نباشد؛ لذا با توجه به این توضیح «رأی سفید» انداختن در صندوق‌های رأی چه اشکالی دارد؟

پاسخ:

برای پاسخ به این پرسش که رأی سفید دادن در انتخابات چه حکم و تبعاتی دارد و آیا ایراد و اشکالی بر آن مترتب است از چند منظر قابل بررسی است:

### ۱- حق شهروندی

اولین منظری که باید به‌وسیله آن رأی سفید را واریسی کرد مسئله حق



شهروندی هر شخص در جامعه است، به این صورت که آیا هر شهروندی این حق را دارد که در انتخابات رأی سفید به صندوق بیندازد؛ از حیث حق شهروندی، هر انسانی می‌تواند بین نامزدهای هر انتخاباتی فرد دل خواه خود را انتخاب نموده و به آن رأی دهد و از سوی دیگر هم می‌تواند بین آن‌ها کسی را نپسندیده و به هیچ‌کدام رأی ندهد، حال این رأی ندادن یا به این صورت است که به کلی در انتخابات شرکت نمی‌کند که از مورد سؤال خارج است و یا به دلایلی شرکت کرده و رأی سفید می‌دهد. پس از لحاظ حق شهروندی، داشتن این حق برای هرکسی روشن است که وی نمی‌خواهد از حق خود، یعنی حق انتخاب یک فرد استفاده کند. بالأخص اگر رأی سفید دادن به خاطر یک توجیه عقلایی مانند شناختن نامزدها و یا نبود کاندیدای موردنظر بین نامزدها و یا ترس از رأی دادن به نامزد فاسد و غیرمسئول باشد.

## ۲- تکلیف شرعی

دومین منظر مهمی که باید حکم رأی سفید را بر اساس آن بررسی کرد مسئله تکلیف شرعی نسبت به این موضوع است به این صورت که بر اساس اینکه شرکت در انتخابات نظام اسلامی علاوه بر حق شهروندی یک تکلیف شرعی است، آیا رأی سفید دادن در انتخابات به این تکلیف خللی وارد می‌سازد؟ در پاسخ باید گفت که مراجع تقلید اصل رأی سفید دادن را حرام ندانسته‌اند و در مواردی آن را دارای توجیه شرعی نیز



می‌دانند، به‌طور مثال مقام معظم رهبری در پاسخ به این سؤال که در صورت عدم شناخت و تحقیق، یا تحقیق کافی و عدم وصول به نتیجه و تحیر در انتخاب اصلح رأی سفید چه حکمی دارد چنین پاسخ داده‌اند.

«در هر صورت اگر رأی سفید دادن موجب تضعیف نظام

اسلامی باشد، حرام است»<sup>۱</sup>.

این پاسخ نشانگر این است که اصل رأی سفید به‌خودی‌خود مشکل شرعی نداشته و از منظر ایشان اگر موجبات تضعیف نظام را در پی داشته باشد، حرمت دارد. آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره نظری صریح‌تری دارند و در پاسخ ایشان به این نکته اشاره شده است که اگر به‌گزینه‌ای اعتماد نداشته باشید می‌توانید رأی سفید بدهید، ولی در ادامه نیز اشاره می‌کنند که تا ممکن است از دادن رأی سفید پرهیز کنید.

«شرکت نکردن در انتخابات جایز نیست و اگر به شخص خاصی اعتماد نکردید می‌توانید رأی سفید بدهید؛ ولی تا جایی که ممکن است رأی سفید ندهید»<sup>۲</sup>.

۱. احکام انتخابات، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری:

<https://b2n.ir/m/02437>

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی:

<http://www.makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=21&catid=46462>



پس از منظر شرع نیز به این مطلب اشاره شده است که رأی سفید دادن بدون در نظر گرفتن شرایط و تبعات آن، اگر قابل توجیه باشد اشکالی ندارد.

### ۳- حکم عقلایی

بسیاری از اوقات، کسی که می‌خواهد در انتخابات رأی سفید و یا رأی باطله به صندوق بیندازد، فارغ از هر عقیده‌ای، اهمیت مشارکت در انتخابات برای وی روشن شده است و تأثیر مشارکت مردمی بر اقتدار ملی کشور را درک کرده است، حتی اگرچه معترض و منتقد به‌نظام باشد. بر اساس آنچه گذشت روشن شد که مصداق قابل توجیه رأی سفید درجایی است که انگیزه عقلایی بر آن بار شود، به‌طور مثال درجایی که رأی‌دهنده دچار تحیر شده و نتواند کاندیدای اصلح را انتخاب نماید، ولی نکته مهم این است که بسیاری از اوقات تحیری که رأی‌دهنده در آن قرار دارد، چاره و راهکار دارد، یعنی اینکه اگر دید و بینش صحیح وجود داشته باشد، تحیری رخ نخواهد داد که بخواهد بر اساس آن رأی سفید به صندوق بیندازد. به‌عبارت‌دیگر افرادی که با توجیه تحیر به رأی سفید می‌رسند، عموماً نگاه آرمانی افراطی به انتخابات داشته و به دنبال گزینه‌ای بی‌عیب و نقص می‌باشند و قطعاً داشتن چنین نگاهی به انتخابات عموماً انسان را به بن‌بست می‌رساند چراکه قطعاً گزینه بی‌عیب و نقص وجود نداشته و به اصطلاح نمی‌توان منتظر نشست تا شخص



معصوم و صد در صد کاملی پیدا شود تا به وی رأی دهیم و با هر سلیقه و دیدگاهی که به نامزدها نگاه کنیم قطعاً هر کدام از آنها مجموعه‌ای از قوت‌ها و عیب‌ها بوده و فقط میزان خوبی‌ها و بدی‌هایشان شدت و ضعف دارد، پس در نتیجه هر فردی با هر نوع سلیقه و فکری که دارد یکی از آنان را از بین دیگران برگزیده و می‌پسندد و قطعاً بر اساس قاعده عقلی که مبدا کاندیدایی که از نظر رأی‌دهنده صلاحیت نداشته و یا صلاحیت کمتری دارد، رأی بیاورد می‌بایست به کاندیدایی که او را اصلح می‌داند رأی دهد و از انداختن رأی سفید پرهیز کند.

در بدترین حالت ممکن هم حتی اگر همه کاندیداهای موجود در انتخابات را فاقد صلاحیت بدانیم باز هم می‌توان با توجیه عقلی در چنین انتخاباتی شرکت کرد، با این توضیح که قطعاً میزان بدی و ضعف هر کدام از آنان مساوی نبوده و بین آنان فردی پیدا می‌شود که ضعف و نقصان کمتری داشته باشد و لذا هر عقل سلیم این را حکم می‌کند در چنین موقعیتی «دفع افسد به فاسد» شود یعنی اینکه بارأی دادن به انسانی که ضعیف است از رأی آوردن ضعیف‌تر جلوگیری کند.

#### ۴- تبعات اجتماعی و سیاسی

پس از بررسی دیدگاه‌های شرعی و عقلی و حقوقی درباره رأی سفید، نباید از این مسئله غافل شد که فارغ از نوع نگاه نظری و تئوریکی که به



«رأی سفید» داریم، این مقوله دارای تبعات اجتماعی و سیاسی است که توجه به آن جدی و مهم است.

بدین معنا که ممکن است رأی‌دهنده بر اساس شرایط خود به این نتیجه برسد که رأی سفید وی دلیل موجهی دارد، ولی بازتاب اجتماعی او تلقی دیگری به دنبال خواهد داشت. به این صورت که نیت و قصد او برای رأی سفید این بوده که کسی را انتخاب نکند که به کشور ضربه بزند، ولی برداشت و خوانشی که از اقدام او می‌شود، با مقصود و منظور او تفاوت داشته و رأی سفید او به‌عنوان «تحقیر انتخابات» تفسیر می‌شود. بالأخص درجایی که میزان رأی سفید به دلایلی بالا رود.<sup>۱</sup>

۱. البته جای اشاره دارد که این نوع تفسیر از رأی سفید هرچند توسط شخصیت‌ها و رسانه‌های داخلی و بالأخص خارجی و معاند صورت می‌گیرد و بر آن تأکید می‌شود، ولی در حقیقت و با تحلیل صحیح نمی‌توان هرگونه رأی سفید دادن را به‌عنوان تحقیر انتخابات تلقی نمود در همین باره رهبر معظم انقلاب چنین بیان کرده‌اند: «بعضی‌ها روی آراء باطله تکیه می‌کنند که «آقا آراء باطله زیاد است». خب حالا چه؟ آراء باطله دلیل چیست؟ آراء باطله دلیل جدایی آن افراد از نظام است؟ ابداً! عکس قضیه است. آن‌کسی که می‌آید در شعبه‌ی رأی‌گیری و می‌خواهد رأی بدهد (با صندوق قهر نکرده، می‌خواهد رأی بدهد) نگاه می‌کند می‌بیند آن شخصی که قبول دارد، در این مجموعه‌ی نامزدها نیست؛ خب این چه‌کار کند؟ می‌تواند قهر کند بگوید «حالا که شخص موردنظر من در این فهرست نامزدها نیست، من رأی نمی‌دهم» و برود؛ اگر قهر نکرد، نرفت و رأی داد و اسم همان شخص را نوشت (که این می‌شود آراء باطل) یا رأی سفید انداخت، پس پیدا است که این شخص به صندوق رأی





پس با توجه به تبعات اجتماعی و سیاسی رأی سفید می‌توان چنین گفت که در شرایطی که رسانه‌های خارجی و برخی از رسانه‌ها و شخصیت‌های داخلی در پی پیدا کردن کوچک‌ترین بهانه برای ضربه به کشور و نظام هستند و با استناد به درصد و میزان رأی‌های باطله و سفید تحلیل‌هایی مغرضانه ارائه می‌دهند و در همین راستا ادعا دارند که مقبولیت نظام در بین مردم از دست رفته است، دیگر نمی‌توان با این ادعا که «رأی سفید دادن خود یک نوع مشارکت است»، در عرصه انتخابات حضوری فعال و مؤثر نداشت و به دادن رأی سفید اکتفا کرد، چراکه در چنین وهله‌ای همین اقدام علی‌رغم داشتن توجیه اولیه بهانه‌ای می‌شود برای ضربه زدن به انتخابات و نظام و اثر منفی آن چندان با عدم مشارکت در انتخابات تفاوتی نداشته و ندارد، لذاست که باید با دقت بیشتری به مقوله رأی سفید نگاه کرد و در این راستا مصلحت کشور را در نظر داشت. پس همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، هرچند رأی سفید دادن در اصل مشکل شرعی و حقوقی ندارد، ولی به خاطر تبعاتی که بر آن بار می‌شود می‌توان گفت چنین اقدامی به مصلحت کشور و اجتماع نبوده و نیست و لذاست که با در نظر گرفتن همه جوانب چندان توجیه شرعی و اجتماعی ندارد.

---

علاقه‌مند است، پیدا است که با صندوق رأی قهر نکرده، پیدا است که به‌نظام علاقه‌مند است...»؛

بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، (۱۴۰۰/۴/۷)

<https://khl.ink/f/۴۸۲۱۱>



### نتیجه:

نظر دهی درباره مقوله رأی سفید باید در ساحت‌های مختلف مورد بحث واقع شود:

از منظر حق شهروندی هر فردی این حق را دارد که در انتخابات به هرکسی رأی بدهد و قطعاً این حق را دارد که کسی را نپسندد و رأی سفید به صندوق بیندازد، همچنین از منظر تکلیف شرعی اصل رأی سفید دادن مشکلی ندارد و حتی برخی از مراجع رأی سفید دادن را در شرایطی بدون اشکال می‌دانند؛ اما از منظر عقلی درجایی که رأی سفید دارای توجیه است و رأی‌دهنده دچار تحیر است می‌توان گفت که در اغلب اوقات می‌توان با اصلاح نوع نگاه به انتخابات و پرهیز از آرمان‌گرایی افراطی در انتخاب نامزدها، بر اساس سلايق مختلف و اصول مورد قبول فرد رأی‌دهنده، یک نامزد را از بین دیگر گزینه‌ها بهتر دانست و بر اساس حکم عقل سلیم به او رأی داد تا احیاناً از پیروزی فرد فاسد در انتخابات جلوگیری نمود و از دادن رأی سفید پرهیز کرد. همچنین با توجه به تبعات اجتماعی و تفسیری که رأی سفید می‌شود باید گفت که در شرایط فعلی که رسانه‌های معاند خارجی و برخی از رسانه‌ها و شخصیت‌های داخلی در پی این هستند که با تأکید بر آرای سفید برداشت‌های غلط خود را به جامعه القا نمایند و میزان رأی سفید را به عنوان تحقیر انتخابات



تفسیر نمایند، رأی دادن سفید حتی اگر از روی توجیه منطقی باشد، به مصلحت کشور و اجتماع نبوده و باید از آن پرهیز شود.

### کلمات کلیدی:

رأی سفید، تحریم انتخابات، عدم مشارکت، حق شهروندی، تحریم انتخابات.



## کتابنامه

قرآن کریم

۱. جعفریان، رسول و سید اسدالله خرقانی، روحانی نوگرایی روزگار مشروطه و رضاشاه تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۲. حسینی بهشتی، محمد، جاودانه تاریخ، پیشین، تهران: انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۰ش.
۳. حمید مدد، «فواید دموکراسی: نقش دموکراسی‌ها در تقویت صلح و توسعه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۸۲، ۱۳۸۶ش، ص ۴۸۷ تا ۴۹۷.
۴. خمینی، سیدروح‌الله (امام خمینی ره)، صحیفه امام، چ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ۱۳۷۹ش.
۵. سید محمدرضا مرندی، روح‌الله جلالی اصل، «مبانی مشروعیت حق حاکمیت مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۳۸، اردیبهشت ۱۴۰۰، ص ۵۳-۶۷.
۶. مامقانی، اسدالله، دین و شئون و طرز حکومت در مذهب شیعه، چ ۱، استانبول: بی‌نا، ۱۳۳۶ق.



۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، محقق/مصحح: جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، (آینده انقلاب اسلامی)، تهران: انتشارات صدرا، ج ۲۴، ۱۳۸۹ش.
- حسینی بهشتی، محمد، مبانی نظری قانون اساسی، تهران: انتشارات بقعه، چاپ چهارم، ۱۳۹۰ش.
۹. نائینی، محمدحسین، تنبیه الأمه و تنزیه المله؛ ترجمه، مقدمه و پاورقی: سید محمود طالقانی، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸ش.



دفتر تبلیغات اسلامی  
حوزه علمیه قم

اشاره کردید که چند میلیون سؤال از شما شده است، غالباً خیلی از سؤال کننده‌ها جوان‌ها و دانشجوها هستند. این کار خوبی است، البته این سنتی بوده که از قبل در حوزه وجود داشته است. ممکن است یک نفر سؤال کند اما این سؤال در ذهن هزار نفر باشد توصیه من در مورد این سؤال‌ها این است که اینها را تدوین کنید، چاپ کنید و به شکل‌های خوب در اختیار جوان‌ها و دانشجوها بگذارید و بگویید این سؤال‌ها شده، جواب‌هایش اینها است؛ به نظر یکی از کارهای واجب این است.

